خبرها

نشست سایبر ژورنالیسم برگزار شد

همشهری آن لاین: نشست تاثیرات متقابل زیرساخت فناوری اطلاعات و سایبر ژورنالیسم در ایران با حضور دکتر جلالی استاد دانشگاه علم و صنعت در دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات برگزار شد. دکتر علی اکبر جلالی در این نشست گفت: برای بررسی تاثیرات متقابل زیرساخت فناوری اطلاعات و سایبر ژورنالیسم در ایران ابتدا باید سایبر ژورنالیسم را تعریف کرد. دکتر جلالی گفت: واژه سایبر یک پیشوند است و به فضایی گفته می‌شود که در آن اینترنت و رایانه به‌طور مشخص نقش دارند و ژورنالیست به نویسندگانی می‌گویند که برای روزنامه و مجله‌ای مطلب تهیه می‌کنند. استاد دانشگاه علم و صنعت گفت: انتشار یک روزنامه دیجیتال با محتوای چندرسانه‌ای نیازمند امکانات و لوازم مورد نیاز است. وی سپس افزود: در ماه‌های ابتدایی سال ۲۰۰۶ استفاده‌کنندگان از اینترنت بیش از ۵۰ درصد بود که این رقم در ماه‌های بعد به بیش از ۷۳ درصد رسیده است. دکتر جلالی گفت: برای آماده‌سازی الکترونیک توسعه فناوری اطلاعات نیازمند دولتی هستیم که ابتدا زیرساخت‌ها و سپس منابع انسانی و سیاست و قوانین و بودجه و منابع مالی را تامین کند و این امر نیازمند آن است که آگاهی‌ها را افزایش داده و زیرساخت‌ها را برای کاربرد و شناخت بالا ببریم تا یکپارچگی به‌وجود آید. ازسوی دیگر دکتر حمید ضیایی‌پرور رئیس مرکز مطالعات سایبر ژورنالیسم نیز در باره مرکز مزبور گفت: هدف از تاسیس مرکز مطالعات سایبر ژورنالیسم پرداختن به مباحث مطالعاتی و پژوهشی با عناوین تحقیق در محیط سایبر و تکنولوژی‌های جدید ارتباطی است.

قاضی مرتضوی: روزنامه ایران می‌تواند منتشر شود

قاضی مرتضوی درباره نهاد مسئول در پرونده روزنامه ایران گفت: توقیف روزنامه بر عهده هیات نظارت بر مطبوعات اما رسیدگی به پرونده برعهده قوه قضائیه است. وی درباره قانونی و یا غیرقانونی بودن توقیف روزنامه ایران گفت: چون رای قطعی هنوز صادر نشده است در این باره نمی‌توان اظهار نظر کرد، اما در مجموع دادسرا و بازپرس می‌گویند، اتهامی که هیات نظارت بر مطبوعات

مطرح کرده است وارد نیست، که در صورت تایید این نظر قرار رفع توقیف این روزنامه صادر می‌شود. دادستان عمومی و انقلاب تهران افزود: قرار منع پیگرد به طرفین ابلاغ شد و پس از آن در فرجه قانونی به قرار بازپرس اعتراض و پرونده به دادگاه تجدیدنظر ارسال شد و الان پرونده در این مرحله قرار دارد. به گزارش واحد مرکزی خبر هیات نظارت بر مطبوعات کشور از ۳ جرم اعلام علیه روزنامه ایران، درباره دو جرم اعلام مجرمیت و درباره یک جرم قرار منع پیگرد صادر کرد.

حمله کارل روو به روزنامه‌نگاران

جام‌جم آن لاین: کارل روو مشاور ارشد سابق جورج دبلیو بوش رئیس جمهوری آمریکا که به‌دلیل رسوایی درز برخی اطلاعات محرمانه به مطبوعات آمریکا از سمت خود کناره‌گیری کرد با انتقاد شدید از روزنامه‌نگاران، به‌طور تلویحی آنها را شریک جرم برخی از اعمال سیاستمداران دانست. به گزارش سایت اینترنتی نیوزمکس روو که نقش مهمی در پیروزی‌های انتخاباتی جورج دبلیو بوش داشته است گفت روزنامه‌نگاران از سیاستمداران حرفه‌ای انتقاد می‌کنند چون می‌خواهند توجه همگان را از نقش مسمومی که پوشش خبری خودشان در سیاست یا بر دولت داشته دور کنند. روو که در دانشگاه جورج واشینگتن و برای فارغ‌التحصیلان رشته مدیریت سیاسی سخنرانی می‌کرد گفت: «روزنامه‌نگاران همواره می‌کوشند نقش حرفه‌ای سیاست را تقبیح کنند و خواهان محو آن هستند. آنها اینگونه نشان می‌دهند که همه بدبختی‌ها و گرفتاری‌ها به‌خاطر سیاستمداران است.» او سپس با رد این نگرش گفت: «روزنامه‌نگاران به جای داشتن تفکر استراتژیک بلندمدت درباره منافع ملی تنها به چرخش خبری خود می‌اندیشند.» او تلویحاً ادعا کرد که سیاستمداران اینگونه‌اند و همواره تفکری استراتژیک و بلندمدت درباره منافع ملی دارند. وی در ادامه به فارغ‌التحصیلان مدیریت سیاسی دانشگاه جورج واشینگتن گفت روزنامه‌نگاران عمدتاً به فرآیندها و موضوعات روبنایی می‌پردازند و نگاه بلندمدت و زیربنایی ندارند.

تونس برترین کشور آفریقایی در زمینه ارتباطات و فناوری اطلاعات

اطلاعات به‌دست آمده از مجمع اقتصاد جهانی و دیگر سازمان‌های اقتصادی بین‌المللی نشان می‌دهد تونس برترین کشور آفریقایی در زمینه ارتباطات و فناوری اطلاعات است. گزارش‌های ارائه شده نشان می‌دهند که معیارهای مختلفی از جمله سطح رقابت، تعداد خطوط ثابت و تلفن همراه بین هر یک صد نفر، پوشش تلفن همراه و بهای گوشی تلفن همراه، تعداد خطوط پهنای باند و شمار کاربران اینترنتی در انتخاب تونس به عنوان برترین کشور قاره آفریقا در زمینه ارتباطات و فناوری اطلاعات دخیل بوده‌اند.

در حال حاضر، از هر یک هزار شهروند تونسی، ۳۷۳ نفر دارای تلفن همراه هستند و ۸۳ نفر نیز به اینترنت دسترسی دارند. در این رده‌بندی پس از تونس، آفریقا در ردیف دوم قرار دارد، موریتانی، بوآتسوانا، غنا، مصر و مراکش نیز در رده‌های سوم تا هفتم جای دارند.

سه مجله فرانسوی با سه گرایش سیاسی

زهرا بزرگ‌زاده شهدادی

در میان نشریات هفتگی کشور فرانسه، سه مجله لوپوئن، نوول آبزرواتور و اکسپرس از قدمت، اهمیت، شهرت و اعتبار بیشتری در این کشور و در سطح جهان برخوردارند و جزء پرخواننده‌ترین نشریات کشور فرانسه محسوب می‌شوند. هر یک از این سه نشریه، نماینده جناح‌ها و مواضع سیاسی متفاوتی در این کشور به شمار می‌آیند و دیدگاه‌های این جناح‌ها را منعکس می‌نمایند. در اینجا شرح مختصری از تاریخچه و مشخصات این نشریات خبری فرانسوی ارائه می‌شود:

■ **لوپوئن**

لوپوئن (Le Point) یکی از مجلات هفتگی فرانسوی و مقبول‌ترین هفته‌نامه در جهان است که در سال ۱۹۷۲ به‌وسیله گروهی از روزنامه‌نگاران فرانسوی ازجمله کلود ایمبر (Claude Imbert) که یک سال قبل از آن از هیات سردبیری مجله اکسپرس خارج شده بودند، تاسیس شد. این مجله از نظر خط مشی سیاسی میانه‌رو به شمار می‌آید و دفتر مرکزی آن در پاریس قرار دارد.

هیات سردبیری مجله لوپوئن از سال ۱۹۷۲ از حمایت گروه هاچت (Hachette) بهره‌مند و سپس به وسیله کلود ایمبر اداره شد.

روزنامه‌نگاران دیگری که این گروه را تشکیل می‌دادند، عبارت بودند از: ژاک دوکسن، هانری ترنشه، پی‌یر بیار، روبر فرانک، ژرژ سوفر، اولیویه شوریون و مدیر عامل آن فیلیپ رامون.

مجله هفتگی لوپوئن پس از تاسیس در سپتامبر ۱۹۷۲ روزنامه‌نگاران سایر مطبوعات پاریسی را به سوی خود فراخوانده و آنها را به استخدام خود درآورد. به این ترتیب تمام توانایی خود را به‌کار بست تا شکل تازه‌ای به این مجله بدهد و از مجلات متعلق به نیوز مگزین (News Magazine) یعنی تایم مگزین (Time magazine) و نیوزویک (Newsweek) به‌طور دقیق الگو برداری می‌کرد. مجله لوپوئن پس از یک شروع نسبتاً سخت در سال ۱۹۷۲ به‌سرعت پیشرفت کرد و تبدیل به رقیبی برای مجله اکسپرس شد. مالکیت این مجله تاکنون چندین بار تغییر یافته است: از گامونت (gaumont) و آلاکتل (Aluctel) گرفته تا Pinault-Printemps-Redoute De Francois Pinault که به تازگی مالکیت مجله لوپوئن را برعهده گرفته است.

لوپوئن با داشتن یک میلیون خواننده، تلاش می‌کند تا ریشه‌های حوادث جاری بین‌المللی و دیپلماتیک را به خوانندگان بنمایاند و خود را ملزم به تحقیق دقیق درباره مسائل، جهت تعمق در اظهارنظرهای دریافتی و تصاویر کلیشه‌ای غالب بر بسیاری از کشورهای جهان می‌داند. این مجله خبری قبل از هر چیز به مسائل داخلی می‌پردازد و مطالب آن شامل موضوعات اجتماعی، سیاسی و در وهله بعد فرهنگی و هنری است. آدرس سایت اینترنتی مجله لوپوئن عبارت است از: www.lepoint.fr

■ **مجله نوول آبزرواتور**

نوول آبزرواتور (Le Nouvel Observateur) که اغلب به صورت مخفف Le Nouvel Obs نوشته می‌شود، یکی از مجله‌های خبری کشور فرانسه است که به صورت هفتگی منتشر می‌شود. این مجله از صاحب‌نام‌ترین مجله‌های اطلاع‌رسانی در فرانسه و از مهمترین مجله‌ها ی این کشور از نظر تعداد خواننده و میزان تیراژ به شمار می‌آید. تیراژ این مجله در حال حاضر بالغ بر ۵۳۸۲۰۰ نسخه در هفته است و دفتر مرکزی آن در شهر پاریس قرار دارد.

مجله نوول آبزرواتور در سال ۱۹۶۴ تاسیس شد و از آن تاریخ تاکنون اخبار سیاسی، تجاری و اقتصادی جهان را تحت پوشش خود قرار می‌دهد. این مجله نقش مهمی در پوشش خبری مسائل سیاسی، اقتصادی و فرهنگی اروپا، خاورمیانه و آفریقا دارد. مهمترین حوزه‌های مورد توجه این مجله موضوعات سیاسی و ادبی است و به‌خاطر توجه عمیق و دقیق به مسائل اصلی روز معروف شده است.

مجله نوول آبزرواتور را «مجله روشنفکران فرانسوی» توصیف کرده‌اند. این مجله از نظر موضع‌گیری سیاسی سوسیال‌دموکراتیک است و در زمان تاسیس، بسیاری از اعضای هیات تحریریه آن به حزب سوسیالیست (psu) فرانسه تعلق داشتند که یکی از آنها استفان هسل بنیانگذار این حزب بود. در سال ۱۹۶۳ ترکیب هیات تحریریه این روزنامه متشکل از چپ‌های مختلف بود و در حقیقت این نشریه، خطی در جهت ایجاد همبستگی بین چپ‌های مختلف در پیش داشت. از کسانی که با این نشریه همکاری می‌کردند پی‌یر ببرد گوا وزیر اقتصاد سوسیالیست‌ها، و آلن ساواری وزیر علوم سوسیالیست‌ها، را می‌توان نام برد. از دیگر همکاران این نشریه کلود استیه سخنگوی سابق هیات پارلمانی سوسیالیست‌ها و طرفدار شوروی سابق بود.

در چهلمین سالگرد تاسیس این مجله در ژوئن ۲۰۰۴، اساسنامه جدید آن به تصویب رسید. این اساسنامه اصول کلی این نشریه را چنین بیان می‌کند: . . . نوول آبزرواتور یک هفته‌نامه فرهنگی و سیاسی است که از نظر جهت‌گیری متعلق به جنبش سراسری سوسیال‌دموکراتیک است. نهضتی که همواره خواستار آزادی و عدالت اجتماعی بوده است.

ریاست کنونی هیات سردبیری مجله نوول آبزرواتور بر عهده بنیانگذاران آن یعنی ژان دانیل و کلود پردیل همچنین سردبیران این مجله لورن ژوفرن، سرژ لافوری و نیز مدیرعامل آن ژاکلین گالوز است.

این مجله برای اولین‌بار در سال ۱۹۵۰ با نام Lobservateur Pohitique, Economique et Litteraire تاسیس شد و از سال ۱۹۵۳ تا ۱۹۵۴ به‌طور مخفف L'observateur d'aujourd'hui خوانده می‌شد. همچنین از سال ۱۹۵۴ تا ۱۹۶۴ با عنوان France-Observateur منتشر می‌شد و از سال ۱۹۶۴ تاکنون نیز با نام فعلی خود و شیوه‌ای جدید توسط ژان دانیل و کلود پردیل تاسیس شد و به انتشار خود ادامه داد.

نوول آبزرواتور دارای چندین نشریه وابسته است. این مجله، ضمیمه‌ای با نام پاریس ابز Paris Obs را به‌صورت هفتگی منتشر می‌سازد که درباره مسائل داخلی شهر پاریس و منطقه ایل‌دوفرانس است. ضمیمه دیگر این مجله تله سینه ابز (TeltCineObs) نام دارد که شامل مقالاتی درباره تلویزیون و دنیای سینما است. همچنین مجله چالنجز (Challenges) که یک مجله تجاری بین‌المللی است، در سال ۱۹۸۲ به وسیله نوول آبزرواتور تاسیس شد. این مجله که هر دو هفته یک‌بار منتشر می‌شود شامل اطلاعاتی درباره شرکت‌های سراسر جهان و مدیران اجرایی آنها است.

در حال حاضر سردبیر نوول آبزرواتور لورن ژوفرین است و ژان دانیل، مدیریت هیات تحریریه نوول آبزرواتور را برعهده دارد. وی فرزند یک اسرائیلی است وبازوی راست کلود پردیل رئیس این نشریه به شمار می‌آید. عده‌ای از اعضای این مجله در سال ۱۹۷۸ روزنامه لومتن، ارگان حزب سوسیالیست را بنا نهادند. آدرس سایت اینترنتی این مجله عبارت است از: www: nouvelobs.com

خلاصه خبر

۱- لوپوئن (Le Point) یکی از مجلات هفتگی فرانسوی است این مجله از نظر خط مشی سیاسی میانه‌رو به‌شمار می‌آید
۲- نوول آبزرواتور (Le Nouvel Observateur) که اغلب به صورت مخفف Le Nouvel Obs نوشته می‌شود، یکی از مجله‌های خبری کشور فرانسه است که به‌صورت هفتگی منتشر می‌شود. این مجله از صاحب‌نام‌ترین مجله‌های اطلاع‌رسانی در فرانسه و از مهمترین مجله‌ها این کشور از نظر تعداد خواننده و میزان تیراژ به شمار می‌آید.
۳- اکسپرس (L'express) اولین مجله خبری کشور فرانسه است و از لحاظ خط مشی سیاسی راستگرا و محافظه‌کار است.

■ **مجله اکسپرس**

اکسپرس (L'express) اولین مجله خبری کشور فرانسه است و از لحاظ خط مشی سیاسی راستگرا و محافظه‌کار است. هنگامی که این مجله مشهور فرانسوی در سال ۱۹۵۳ تاسیس شد، شکل ظاهری آن شبیه به مجله تایم آمریکا بود.

مالکیت این هفته‌نامه فرانسوی متعلق به گروه سوک پرس است که ۸۰ درصد آن تحت مالکیت داسالت گروپ است. تیراژ این مجله در حال حاضر ۵۴۲۹۰۰ نسخه است.

موسس مجله اکسپرس، ژان ژاک سروان شریبر نماینده حزب رادیکال در پارلمان فرانسه و از سوسیالیست‌های رادیکال بود که در سال ۱۹۷۳ بیشتر سهام این نشریه را به یک تاجر یهودی انگلیسی الاصل به نام «جیمز گلداسمیت» واگذار کرد. اولین سردبیر مجله اکسپرس فرانسواز ژیرو بود که همراه با ژان ژاک سروان شریبر، مجله اکسپرس را تاسیس کرد و از سال ۱۹۴۶ تا ۱۹۵۳ رئیس هیات سردبیران آن شد. او قبل از آن سردبیر نشریه «ال» (Elle) بود و در سال ۱۹۷۴ وزیر امور زنان و در سال ۱۹۷۶ وزیر فرهنگ فرانسه شد. خانم ژیرو در زمانی تبدیل به یک وزنه قدرتمند در ژورنالیسم فرانسه بعد از جنگ جهانی دوم شد که زنان زیادی در کار روزنامه‌نگاری نبودند. زمانی که فرانسواز ژیرو در سال ۲۰۰۳ درگذشت، وزارت فرهنگ فرانسه او را جزء درخشان‌ترین اندیشمندان جامعه فرانسه نامید.

هیات تحریریه مجله خبری سیاسی اکسپرس در حدود ۱۵۰ نفر است و ۴۵ درصد از درآمد این هفته‌نامه از راه جذب آگهی به‌دست می‌آید که به تازگی به‌خاطر مسائل مالی برای تعدیل نیروی انسانی تحت فشار قرارگرفته است.

مجله اکسپرس شهرت خود را مدیون پوشش موضوعات بین‌المللی و گزارش‌های مستند و تاریخی است که هرازچندگاهی در این مجله به چاپ می‌رسد. مجله اکسپرس نیز مانند بسیاری از نشریات فرانسوی تحت سیطره یهودیان است، با اینکه روسای جمهوری فرانسه خود نیز متمایل به صهیونیسم بوده و از پایه‌گذاران حکومت اسرائیل به حساب می‌آیند، با این حال، از گزند تبلیغاتی این مجله تندرو و متعصب در امان نبوده‌اند. به طوری که برخورد شدید مجله اکسپرس با والری ژیسکاردستن رئیس جمهوری سابق فرانسه و ضربات شدید این مجله به آبرو و حیثیت سیاسی نامبرده هرگز از خاطره‌ها محو نخواهد شد.

فرانسوا میتران و دستیاران او نیز از حملات این مجله در امان نیستند، به خصوص که بانک اطلاعاتی این مجله در ثبت و ضبط نقاط ضعف سیاسی و مالی سیاستمداران بسیار قوی عمل می‌کند و می‌تواند در هر لحظه برای رجال سیاسی مسئله‌ساز باشد. مجله اکسپرس اخیراً ۴۹ درصد از سهام لوپوئن را خریداری کرده است.

آدرس سایت اینترنتی مجله اکسپرس عبارت است از: www.lexpress.fr

هیچ راهکاری نمی‌توان استخراج کرد

شاهو صبار

روزنامه شرق چهارشنبه ۲۸ تیرماه، گفت‌وگویی با آقای صفی‌زاده مدیرمسئول نشریات ابرار انجام داده است. آقای صفی‌زاده در این گفت‌وگو درباره افول روزنامه‌ها و کاهش مخاطبان سخن گفته و دلایل مختلف این امر را به تحلیل آورده است. وی در اولین نکته تحلیلش آورده است که «چند علت در این خصوص دخیل هستند. ریشه این بحران به آنجا ختم می‌شود که سیدمحمد خاتمی در ابتدای دولت خود چنین القا کرد که توسعه سیاسی به روش توسعه، تعدد و تنوع مطبوعات میسر است، در حالی که کشورهایی که چندصد سال سابقه مطبوعاتی دارند تعداد روزنامه‌هایشان از تعداد انگشتان دو دست تجاوز نمی‌کند.

اما اشتباه وزارت ارشاد اسلامی وقت این بود که تصور می‌کرد هر اندازه مجوز روزنامه صادر شود توسعه سیاسی هم به سرعت رشد می‌کند.» در اینجا بیش از هرچیز آمار ارائه شده از سوی آقای صفی‌زاده جالب توجه است که گفته‌اند تعداد روزنامه‌های کشورهایی که چندصد سال سابقه مطبوعاتی دارند از انگشتان دو دست کمتر است.

من نمی‌دانم نظر آقای صفی‌زاده به کدام کشورهای پیشرو در حوزه مطبوعات بوده است، قطعاً آمریکا نبوده چون این کشور بنا بر آمار چند سال پیش ۴۸۲ روزنامه و ۱۱۳۲۸ مجله داشته است، کشورهای اروپایی هم نمی‌تواند باشد چون تعداد روزنامه‌های کوچکترین کشورهای اروپایی هم به مراتب بیشتر از تعداد مورد تصور آقای صفی‌زاده است. مشکل اینجاست که هر چه در آمار مربوط به آسیا، اقیانوسیه و آمریکای جنوبی و حتی کشورهای فقیر آفریقایی یا کشوری چون افغانستان هم بگردیم احتمالاً کشوری پیدا نمی‌کنیم که کمتر از انگشتان دو دست روزنامه داشته باشد (مگر مواردی که یک کشور به طور استثنایی جمعیت و مساحت بسیار اندک داشته باشد). در ضمن منظور آقای صفی‌زاده تنها روزنامه‌های پرتیراژ هم نبوده است، چرا که ایشان در مورد تعداد مجوزهای صادر شده و ضرورت محدود کردن آن صحبت کرده‌اند. تنها احتمالی که باقی می‌ماند این است که مدیرمسئول مجموعه نشریات ابرار، یا در آمار مربوط به تعداد نشریات اشتباه کرده‌اند و یکی دو صفر را در نظر نگرفته‌اند، یا تعداد انگشتان دست را اشتباه برآورد کرده‌اند. در ادامه ایشان با ابراز تاسف نسبت به اشکالات قانون مطبوعات گفته‌اند که «قانونی در مطبوعات است که باید اصلاح شود اما جای تاسف دارد که نه تنها تا به حال اقدامی در این باره نشده است بلکه اجرای این قانون اثر منفی هم داشته است. قانون فعلی می‌گوید داشتن حداقل مدرک لیسانس برای صدور نشریه کافی است بدون اینکه بررسی کارشناسانه‌ای انجام گیرد که متقاضی نشریه توان راه‌اندازی نشریه را دارد یا نه.» ایشان اندکی قبل‌تر در همان گفت‌وگو اشاره کرده‌اند که «بعضی‌ها به محض این که امتیاز روزنامه، هفته‌نامه یا هر نشریه‌ای را گرفتند به سرعت آن را اجاره دادند یا واگذار کردند.» خب، اگر اینگونه باشد که سخت‌تر کردن انتشار مجوز به این مشکل به شدت دامن می‌زند.

تعیین شروطی از قبیل داشتن سرمایه کلان یا مدرک تحصیلی بالاتر برای اخذ مجوز، به بازار اجاره‌دهی مجوز که آقای صفی‌زاده از آن نگرانند، به شدت رونق خواهد بخشید و تجربه نیز هرگز خلاف این را نشان نداده است که ایجاد محدودیت در صدور مجوز، موجب ایجاد رانت برای یک عده و محروم شدن عده‌ای دیگر می‌شود و به تشکیل بازار سیاه کمک خواهد کرد. در چنین شرایطی روزنامه‌نگاران باتجربه و مدیران توانای رسانه‌ای ناچار خواهند بود برای این که بتوانند نشریه‌ای داشته باشند، دست به دامان افرادی شوند که اصلاً فرصت نوشتن یک خبر را هم در زندگی خود نداشته‌اند اما سرمایه کلان دارند یا وقت خود را صرف گرفتن فوق‌لیسانس و دکترا کرده‌اند. افزودن این محدودیت بر سایر محدودیت‌های انتشار نشریه، خلاف نظر و تجربه همان کشورهایی است که چندصد سال سابقه در انتشار مطبوعات دارند.

و اما جناب مدیرمسئول در یک اظهار نظر جالب دیگر، به یک مسئله «بسیار مهم‌تر» هم اشاره کرده‌اند و آن این که رقابت رسانه ملی و مطبوعات یکی از ضعف‌ها و علت افول روزنامه‌ها در کشور است. ایشان گفته‌اند: «رادیو یا تلویزیون هر خبری را از صبح تا شب از کانال‌های مختلف پخش می‌کنند، سایت‌های خبری و خبرگزاری‌ها که جای خود دارند. زیان همه اینها متوجه مطبوعاتی‌ها می‌شود. این مطبوعات هستند که زمین‌گیر می‌شوند.»

از این بخش از سخنان آقای صفی‌زاده به نکته مهمی پی می‌بریم که از سوی کارشناسان رسانه‌ای دیگر مغفول مانده بود و آن این که مشکل مطبوعات ایران این است که رادیو و تلویزیون صبح تا شب هرچه خبر هست پخش می‌کنند و هیچی برای روزنامه‌ها نمی‌ماند. تازه خبرگزاری‌ها هم خبرها را می‌نویسند و مطبوعات می‌مانند که چه کنند.

با توجه به این که الگوی آقای صفی‌زاده در این گفت‌وگو کشورهایی بوده که چندصد سال سابقه مطبوعاتی دارند و باتوجه به این که اطلاعات آماری ایشان کمی با آمار موجود متفاوت است، احتمالاً اعتقادشان بر این است که شبکه‌های تلویزیونی و ماهواره‌ای چون بی‌بی‌سی و سی‌ان‌ان برای حمایت از مطبوعات، اخبارشان را در طول روز پخش نمی‌کنند و برای این که نامردی نشود، خبرهایشان را نگه می‌دارند و صبح به صبح با بیرون آمدن روزنامه‌ها از چاپخانه آنها را منتشر می‌کنند.

در جایی دیگر آقای صفی‌زاده ابراز ناراحتی می‌کنند که «انتشار روزنامه به نوعی درآمد تبدیل شده» و در عین حال معتقدند «روزنامه‌های بخش دولتی نمی‌توانند مشی انتقادی بگیرند» و لازم است که روزنامه‌های بخش خصوصی با توان مالی بالا فعالیت کنند، به طوری که بتوانند به یادداشت‌نویس‌ها و خبرنگارانشان حقوق بالا بدهند. در ضمن اندکی بالاتر گفته شد که یکی از تاسف‌های ایشان این است که قانون مطبوعات به طوری اصلاح نمی‌شود که مجوز را تنها به کسانی بدهند که توان مالی انتشار نشریه را دارند. معلوم نیست از کجا باید کسی را پیدا کرد که هم توان مالی بالا برای انتشار روزنامه داشته باشد و حقوق بالا بدهد و هم بنابر توصیه مدیرمسئول محترم، به روزنامه به عنوان منبع درآمد نگاه نکند. ایشان از یک سو فراموش کرده‌اند که روزنامه در تمام جهان یک بنگاه اقتصادی نیز هست و از سوی دیگر، همین نکته را فراموش نکرده‌اند و معتقدند روزنامه باید پول داشته باشد و این پول را هم نباید دولت بدهد که روزنامه تبدیل به ارگان دولت شود. این تضاد درونی است که موجب می‌شود در نهایت نتوان هیچ راهکاری از پیشنهادات ایشان استخراج کرد. در سخنان آقای صفی‌زاده نکات بی‌شماری هست که می‌توان آن را تحلیل محتوا کرد و درباره آن به بحث نشست، اما دیگر نه مجال این یادداشت و نه حوصله خوانندگان را کششی برای آن نخواهد بود. آمار جالب نیز کماکان در آن قابل جست‌وجوست مثلاً این که ایشان مقدار خلاقیت خبرنگاران مطبوعات را ۱۰ برابر مقدار خلاقیت خبرنگاران صدا و سیما می‌دانند (یعنی مساوی با انگشتان دو دست).

نگارنده همانند آقای صفی‌زاده معتقد است که روزنامه شرق، روزنامه‌ای بسیار پویا، حرفه‌ای و موفق است و در سئوال مانده‌ام که چاپ چنین مصاحبه‌هایی به چه منظور صورت می‌گیرد، اما در عین حال معتقدم مصاحبه‌گر به هدف مصاحبه‌اش رسیده است. دغدغه او آن بوده است که دلایل رکود مطبوعات را دریابد و نگارنده معتقد است که اظهار نظرهای آقای صفی‌زاده به عنوان یکی از مدیران مسئول پیشرو در اداره مطبوعات و صاحب چندین نشریه کشور، جواب بسیاری از این سئوال‌ها را می‌دهد.

یادداشت

کار عملی و تدریس روزنامه نگاری

همواره دکتر نعیم بدیعی متواضعانه خود را یک استاد معمولی که در سایه دکتر معتمدنژاد قرار دارد، می‌داند ولی پدر علوم ارتباطات ایران در صحبت‌ها، نوشته‌ها و مقالات خود از او به عنوان همکار و یار دیرینه‌اش یاد می‌کند. دکتر نعیم بدیعی، فرزند جعفر بدیعی، مدیر مجله کیهان‌بچه‌ها در زمان مدیریت مصطفی مصباح‌زاده در موسسه کیهان است که با بورس دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی، دوره‌های کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترای روزنامه‌نگاری را در آمریکا گذراند و پس از فارغ‌التحصیل شدن از دانشگاه ایلینوی جنوبی به ایران بازگشت و به عنوان عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی مشغول فعالیت شد. بسیاری از استادان امروز ارتباطات ایران با افتخار خود را شاگرد وی می‌دانند. کار و مقاله مشترک او با «والتر وارد» در مورد ارزش‌های خبری در بسیاری از کتاب‌ها، مجلات و نشریه‌های بین‌المللی بازتاب داشته است و کتاب «روزنامه‌نگاری نوین» او که با همکاری حسین قندی نوشته شده است، به عنوان یکی از منابع اصلی رشته روزنامه‌نگاری شناخته می‌شود. دکتر بدیعی پس از ۳۰ سال تدریس در دانشگاه علامه طباطبایی، امسال تقاضای بازنشستگی کرد و روز پنجشنبه، بیست‌ونهم تیرماه، ایران را به مقصد آمریکا ترک کرد.

■ آقای دکتر به عنوان کسی که تمام مقاطع تحصیلی دانشگاهی را در کشور آمریکا طی کرده‌اید، تفاوت‌های عمده آموزش در دانشگاه‌های ایران و آمریکا را در چه مواردی می‌بینید؟

آمریکا با جمعیتی حدود ۲۸۰ میلیون نفر دارای بیش از سه هزار دانشکده و کالج ارتباطات و زیرمجموعه‌های آن است، در حالی که در ایران با حدود ۷۰ میلیون جمعیت، تعداد دانشکده‌های ایران که رشته ارتباطات در آنها تدریس می‌شود، بسیار کم و انگشت‌شمار هستند. کمبود امکانات از تمام ابعاد به ما ضربه زده است. در آمریکا بیشتر کالج‌های روزنامه‌نگاری دارای نشریه هستند. بیشتر این دانشکده‌ها دارای اتاق خبر و چاپخانه مستقل هستند. در این روزنامه‌ها و یا هفته‌نامه‌های دانشجویی، دانشجویان سال‌های پایین‌تر به عنوان خبرنگار فعالیت می‌کنند و دانشجویان سال‌های بالاتر نیز کارهای دبیری و ویرایش را بر عهده دارند. سردبیر نیز معمولاً از میان دانشجویان سال آخر انتخاب می‌شود و تنها یک نفر از اعضای هیات علمی به صورت صوری بر فعالیت تحریریه نظارت می‌کند تا جلوی اشتباهات فاحش را بگیرد. حالا شما قضاوت کنید فردی که پس از چهار سال از چنین مکانی فارغ‌التحصیل می‌شود، با دانش‌آموختگان دانشگاه‌های ما چقدر متفاوت خواهد بود.

■ آقای دکتر شما در این سال‌ها تلاشی برای به وجود آوردن شرایط نسبتاً مشابهی در ایران نکردید؟

ما در یک برهه از دانشگاه علامه طباطبایی خواستیم تا با دادن امکانات، «خبرنامه» دانشگاه را دانشجویان روزنامه‌نگاری منتشر کنند و قول دادیم این نشریه را متنوع‌تر و به صورت «هفتگی» به جای «ماهانه» منتشر کنیم ولی متاسفانه با وجود پیگیری‌های ما، نتیجه‌ای حاصل نشد.

■ استاد دلایلی از جمله وجود نداشتن فضای لازم برای رشد حرفه روزنامه‌نگاری در کشور، وجود نداشتن امکانات و نیروی متخصص کافی و کم بودن مراکز آموزش به عنوان مهمترین دلایل رشد نیافتن حرفه روزنامه‌نگاری در ایران مطرح است. به نظر من یکی از دلایل مهم رشد نکردن این رشته، وجود نداشتن تعامل و همکاری متقابل میان استادان دانشگاه و روزنامه‌نگاران حرفه‌ای است. آیا شما با این نظر موافق هستید؟

در بیشتر دانشکده‌های آمریکا می‌توان افراد فوق‌لیسانس با پنج سال سابقه کار را استخدام کرد ولی ما در دانشگاه‌هایمان حق استخدام این افراد را نداریم و تنها می‌توانیم به عنوان حق‌التدریس از آنها استفاده کنیم. البته ما در سال‌های ۶۲ به بعد، از خیلی از روزنامه‌نگاران برجسته برای تدریس در دانشگاه دعوت کردیم و حتی تعدادی از آنها اکنون کارشناسی ارشد و دکترا گرفته‌اند. البته من هم معتقدم باید استادان دانشگاه در رشته روزنامه‌نگاری کار حرفه‌ای کرده باشند. باید فضای بین دانشگاه و محیط حرفه‌ای به هم پیوند بخورد. من هم بر این باورم که فردی که در تحریریه روزنامه یا نشریه‌ای کار نکرده است، در تدریس دروس رشته روزنامه‌نگاری مشکل دارد. روزنامه‌نگاری، حرفه و شغلی است که به قول معروف «هزار نکته باریک‌تر ز مو اینجاست» و آموزش این رشته مستلزم کار تجربی است.

■ آقای دکتر نظر شما در مورد آینده رشته ارتباطات در ایران چیست؟

نمی‌توان به آینده بدبین بود. الان دو سال است که تشکیل دانشکده ارتباطات به تصویب وزارت علوم، تحقیقات و فناوری رسیده است ولی افتتاح نشده و چارت سازمانی آن نیز تهیه نشده است. اکنون باید دانشگاه با اختصاص اعتبار و امکانات مالی برای تهیه تجهیزات و جذب نیروی متخصص، زمینه لازم را برای رشد این رشته که در برنامه جامع ۱۰ ساله توسعه دانشگاه علامه طباطبایی لحاظ شده، فراهم کند.

متاسفانه در کشور ما با تغییر مدیریت‌ها، دیدگاه‌ها تفاوت‌های اساسی می‌کند. ما باید تلاش کنیم که دوباره به جایی نرسیم که نیاز باشد ضرورت وجود رشته ارتباطات را برای دیگران توضیح دهیم. هنوز یادم هست که من و چند نفر دیگر همراه دکتر معتمدنژاد در بین سال‌های ۵۹ تا ۶۲ بارها به ستاد شورای انقلاب فرهنگی و چند نهاد دیگر رفتیم و در مورد ضرورت وجود این رشته برای آنها توضیح دادیم و البته نتیجه‌ای هم نگرفتیم. هنوز یادم هست که مرحوم دکتر حمید نطقی که برای دفاع از ضرورت وجود رشته روابط عمومی همراه ما بود، در پاسخ به این پرسش که روابط عمومی به چه دردی می‌خورد، می‌گفت: شما از خانه‌تان که خارج می‌شوید و شعارهای روی دیوار را می‌خوانید، زیر هر شعاری به عنوان نمونه نوشته شده است «روابط عمومی مسجد فلان» و حتی در چنین مواردی هم روابط عمومی وجود دارد.

منبع: خبرگزاری میراث فرهنگی